

تحلیل وضعیت شهرستان‌های استان تهران از نظر توسعه اجتماعی

دکتر مالک میر هاشمی*، محمدجواد قائدمحمدی**، بهنام شکرى***

چکیده:

هدف: هدف از این پژوهش، شناخت وضعیت توسعه‌ی اجتماعی ۹ شهرستان استان تهران است. **روش‌شناسی:** با استفاده از پژوهش توصیفی - اسنادی و تحلیل تاکسونومی (تحلیل طبقه‌بندی) ۸ شاخص و ملاک اجتماعی این شهرستان‌ها مقایسه شد. **نتایج:** یافته‌ها نشان می‌دهد که این شهرستان‌ها از نظر شاخص‌های اجتماعی همگن هستند. همچنین، شهرستان تهران و شهرستان ری به ترتیب رتبه‌های اول و آخر را از نظر توسعه‌ی اجتماعی دارا هستند. **کلیدواژه‌ها:** توسعه‌ی اجتماعی، شاخص‌های اجتماعی، دیدگاه‌های توسعه.

مقدمه

اصطلاح "توسعه"^۱ به صورت فراگیر پس از جنگ دوم جهانی مطرح شد. توسعه در لغت به معنای گسترش دادن، فراخ کردن، باز کردن و شکوفا کردن آمده است. این واژه برخلاف اصطلاح رشد^۲ مضمونی فراگیر و چند بعدی دارد که متضمن تغییراتی بنیادی و اساسی در جامعه است تا به رفاه مادی و نیز معنوی انسان بیانجامد. در جایی دیگر، این واژه به معنای خروج از "لفاف" است. در قالب نظریه‌ی توسعه، لفاف همان جامعه‌ی سنتی، فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از مرحله‌ی سنتی خارج شوند (ازکیا، ۱۳۷۱).

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن malekfd@yahoo.com

** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

*** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

شایسته است از کمک‌های سرکار خانم طاهره رزاق نیا عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در تحلیل آماری داده‌ها تشکر و قدردانی شود.

1- development

2- growth

به‌طور کلی، در خصوص معنای کلمه توسعه توافق جامعی بین برنامه‌ریزان و دانشمندان وجود ندارد. برخی آن را به معنای افزایش درآمد می‌شناسند. عده‌ای دیگر روی اشتغال، درآمد، کیفیت زندگی، شادی و غیره تأکید می‌ورزند. با این حال، عده‌ای برآورده کردن نیازهای اولیه‌ی زندگی مردم را پیشرفت و توسعه می‌دانند. در واقع، این واژه برای افراد مختلف دارای معنای گوناگون است. اما، چیزی که همه روی آن توافق دارند این است که پیشرفت و توسعه امری لازم و ضروری است و هر کس به دنبال آن است، البته به همان طریقه‌ای که تصورش را دارد. توسعه پدیده‌ای بسیار پیچیده و چند وجهی است و نمی‌توان مفهوم آن را درک کرد مگر این که به‌طور همزمان جنبه‌های مختلف آن را مد نظر قرار داد. بنابراین، در تعریف توسعه نکاتی را باید در نظر گرفت که مهم‌ترین آنها عبارتند از: (۱) توسعه مقوله‌ای ارزشی است، (۲) توسعه جریان‌ی چند بعدی و پیچیده است، و (۳) در مقوله توسعه باید به ارتباط و نزدیکی آن با مفهوم بهبود توجه کرد. بر همین اساس، همان‌طور که پیشتر اشاره شد واژه توسعه در اذهان محققان و اقتصاددانان توسعه تعابیر مختلفی دارد که برخی از آنان به افزایش تولید، افزایش بازدهی، ارتقای سطح کمی و کیفی زندگی، رفع فقر و محرومیت، ارتقای سطح خدمات بهداشتی و درمانی، رفع بیکاری و تورم و تامین نیازهای اقتصادی - اجتماعی اشاره دارد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۰).

توسعه را باید جریان‌ی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه‌ی نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواست‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع و حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق می‌یابد. به‌منظور رسیدن به این مقصود و کامیابی در این راه باید به برنامه‌ریزی توسعه اهمیت داده شود (فرجادی، ۱۳۷۸).

طرح مسأله

بررسی علل نابرابری اجتماعی اقتصادی در بین جوامع انسانی یکی از مسایل پیچیده است که اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم انسانی در شناخت زمینه‌ها و علل نابرابری‌های مذکور نظریات مختلفی را ارائه کرده‌اند. واقعیت این است که از لحاظ شاخص‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی بین جوامع تفاوت‌های آشکاری وجود دارد. قطعاً ظهور هر پدیده‌ی اجتماعی حاصل تقابل عوامل و زمینه‌های گوناگون داخلی و بیرونی جامعه از گذشته تا حال است که به نوبه‌ی

خود این تقابل، اوضاع و احوال جدید جامعه را شکل می‌دهد (پارکر^۱، ۲۰۰۵). لذا پدیده‌ی توسعه‌نیافتگی و نابرابری در بین جامعه ایرانی به واسطه زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی با چهره‌ی خاصی در مناطق ایران نمایان می‌شود. با این حال، تفاوت‌ها و نابرابری‌های منطقه‌ای از جنبه‌های مختلف و عدم شناسایی کامل این نابرابری‌ها و تفاوت‌ها مانع از برنامه‌ریزی دقیق شده است. به عبارت دیگر، مسأله این است که آیا توسعه از جزء به کل می‌تواند در از بین بردن نابرابری‌های موجود در مناطق مختلف و همچنین توسعه کلی جامعه مؤثر باشد؟ توجه به مفهوم توسعه به ویژه توسعه‌ی اجتماعی در دهه‌های اخیر و تلاش‌های مختلف برای برنامه‌ریزی جهت دستیابی به شاخص‌های مختلف توسعه از نظر اجتماعی، جزء برنامه‌های اصلی دولت بوده است (تقوایی و رستمی‌کیا، ۱۳۸۱).

نابرابری‌های بین مناطق شهری و روستایی در کشورهای در حال توسعه مشکلاتی جدی به همراه دارد. گفته می‌شود که اکثر کشورهای در حال توسعه سیاست‌هایی در جهت توسعه‌ی مناطق شهری در پیش گرفته‌اند. ولی نباید منکر این حقیقت شد که اکثریت مردم فقیر این کشورها در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و بسیاری از آن‌ها در جستجوی کار به شهرها می‌آیند و با این ترتیب به جمعیت شهرها افزوده می‌شود و فقر به این مناطق گسترش می‌یابد. اگر اوضاع حاکم بر مناطق روستایی و شهری کشورهای در حال توسعه را با هم مقایسه کنیم روشن می‌شود که مناطق شهری وضع نسبتاً بهتری دارند ولی شکی نیست که در پس پیشرفت ظاهری این شهرها فقر زیادی وجود دارد. در میان مناطق شهری، پایتخت بیشتر مورد توجه است. به نظر می‌رسد خیلی از امکاناتی که در این شهرها وجود دارد ضروری نیست و اگر بودجه‌اش صرف سایر مناطق شود مردم بیشتری از آن بهره می‌برند.

وجود نابرابری‌های منطقه‌ای به دلایل مختلف تاریخی، طبیعی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موجب رشد ناهمگون و نامتعادل مناطق در کل جهان شده است. کشور ما نیز از این امر مستثنی نبوده است. اگر چه کاهش این نابرابری‌ها از اهداف برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی بوده است، اما مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که شدت این نابرابری‌ها افزایش یافته است. مهم‌ترین دلیل افزایش این نابرابری‌ها عدم شناسایی دقیق ابعاد مختلف نابرابری‌ها و سیاست‌های اجرایی نامتناسب برای رسیدن به اهداف مذکور است. بر همین اساس، اولین گام، شناخت وضعیت موجود مناطق از جنبه‌های مختلف است و باید توجه داشت هر قدر میزان صحت این شناخت بیشتر باشد، رهنمودهای مناسب‌تری برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران جهت اتخاذ تصمیم‌های درست و برنامه‌ریزی دقیق ارائه خواهد شد. علاوه بر

1- Parker

این، مواردی وجود دارد که می‌تواند توجه و اهمیت دادن به شاخص اجتماعی را توجیه نمایند. این موارد عبارتند از:

- (۱) ایجاد انگیزه در متخصصان رشته‌های مختلف برای مطالعه‌ی بیشتر.
- (۲) استفاده از نتایج چنین مطالعاتی در زمینه مطالعات تطبیقی در خصوص سایر مناطق در کشور.
- (۳) فراهم آوردن امکان نظارت بر پیشرفت‌های اجتماعی و تحلیل توزیع منافع توسعه با استفاده از داده‌های مربوط به شاخص‌های اجتماعی در دوره‌های مختلف.
- (۴) شناسایی شاخص‌های اجتماعی مناسب می‌تواند راهنمایی لازم را درباره آثار اجتماعی طرح‌ها و سیاست‌های خاص فراهم آورد.
- (۵) تأثیر شناسایی شاخص‌های اجتماعی و وضعیت آنها در جمع‌بندی طرح‌ها و سیاست‌های توسعه و اصلاح و تجدید نظر در آنها.
- (۶) داده‌های به‌دست آمده از چنین مطالعاتی می‌تواند نقاط ضعف و قوت برنامه‌ریزی توسعه‌ی اجتماعی را مشخص و آشکار کند، و مسئولان را از خطرات بالقوه به‌ویژه کاستی‌ها و ضعف‌ها آگاه سازد.

این مطالعه به‌منظور شناسایی درجه‌ی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان تهران از لحاظ شاخص‌های اجتماعی توسعه انجام شده است. در این مطالعه واحد تحقیق مشتمل بر ۹ شهرستان استان تهران است. این مطالعه به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش است که به‌طور کلی وضعیت شهرستان‌های استان تهران از نظر شاخص اجتماعی توسعه چگونه است و هر کدام در مقایسه با سایر شهرستان‌های استان تهران چه وضعیتی از لحاظ توسعه‌ی اجتماعی دارند؟ در این مطالعه اهداف زیر دنبال می‌شود:

- (۱) تعیین سطح توسعه‌ی شهرستان‌های استان تهران از لحاظ شاخص‌های اجتماعی.
- (۲) شناسایی توانمندی‌ها و امکانات شهرستان‌های استان تهران از لحاظ شاخص‌های اجتماعی.
- (۳) مقایسه‌ی سطح توسعه‌ی این شهرستان‌ها با یکدیگر از لحاظ شاخص‌های اجتماعی.

مبانی نظری

آر. پی. میسرا^۱، توسعه را فرایندی می‌داند که سبب شکوفایی کامل توانایی‌های ذاتی انسان می‌شود. در تعریفی دیگر، توسعه روندی است فراگیر در جهت افزایش توانایی‌های انسانی-اجتماعی برای پاسخگویی به نیازهای انسانی-اجتماعی، ضمن آن که نیازها پیوسته در پرتو

1- R.P.Misra

ارزش‌های فرهنگی جامعه و بینش‌های پایدار جهانی پالایش می‌یابند. مفهوم توسعه پس از جنگ دوم جهانی به‌عنوان جادوی دگرگونی مطرح و در فاصله‌ای کوتاه محبوبیت پیدا کرد. تصور بر این بود که این پدیده می‌تواند جوامع را به سوی ساحل نجات هدایت کند. با فرض چنین اهمیتی، توسعه به‌عنوان یکی از اهداف آرمانی جوامع و در عین حال از جمله پیچیده‌ترین مفاهیم جامعه‌شناختی است که طی زمان، معانی و همچنین رویکردهای آن دستخوش تحول شده است (سو، ۱۳۸۰، ص، ۳۱).

امروزه اهدافی که برای توسعه در نظر گرفته می‌شوند، اهدافی صرفاً اقتصادی نیستند، بلکه اهداف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرند و به جرأت می‌توان گفت که دیگر هیچ نظریه‌پرداز توسعه بر تک بعدی بودن توسعه تأکید ندارد. هر هدفی که برای توسعه در نظر گرفته می‌شود، هدف‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر خواهد داشت، زیرا حداقل بخشی از جامعه و زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و پیامدهایی به دنبال دارد. بنابراین، توسعه از این دیدگاه، به معنی دگرگونی ریشه‌های اجتماعی است که در جریان آن نهادهای بنیادی یک کشور و کنش‌های اساسی مردم آن اگر جبراً دگرگون نشوند الزاماً از آن دگرگونی تأثیر می‌پذیرند. مایکل تودارو یکی از صاحب نظران توسعه معتقد است، توسعه در کلیه جوامع باید سه دسته اهداف را پیگیری نماید که عبارتند از:

دسترسی بیشتر به کالاهای تداوم بخش زندگی مانند: غذا، مسکن، بهداشت، آموزش، افزایش سطح زندگی از جمله درآمدهای بالاتر، تأمین اشتغال بیشتر، آموزش بهتر، و گسترش دامنه‌ی انتخاب اقتصادی- اجتماعی افراد و ملل از طریق رهایی آنان از قید بردگی و وابستگی.

از این‌رو، نقطه‌ای که امروزه بحث‌های توسعه بدانجا رسیده‌اند این است که توسعه پدیده‌ای چندوجهی است و زمانی تحقق خواهد یافت که کلیه‌ی وجوه و جوانب آن همراه با یکدیگر و رو به جلو در حال تحول باشند (هریس^۱، وایز^۲، و گالاگر^۳، ۲۰۰۱). جنبه‌ی "اجتماعی" نیز یکی از ابعاد توسعه است و برای سنجش و محاسبه آن نیز شاخص‌های متعددی از سوی صاحب‌نظران ارائه گردیده است.

شاخص‌های اجتماعی عبارتند از مفهومی‌هایی مبتنی بر مشاهده‌ها و معمولاً کمی که به جنبه‌هایی از حیات اجتماعی که ما به آن علاقه‌مندیم اشاره دارند، یا به دگرگونی‌هایی می‌پردازند که در آن جنبه‌های حیات اجتماعی در حال وقوع است (شهادی، ۱۳۶۷). به‌طورکلی از نظر اجتماعی، توسعه به معنای دگرگون شدن و متمایز شدن جامعه از یک ساخت اجتماعی قدیم به یک ساخت اجتماعی جدید است. از دید جامعه‌شناسان، توسعه به معنای

1- Harris
3- Gallagher

2- Wise

پدید آمدن ساخت‌های نو برای عهده‌دارشدن وظایف جدید و یا بر عهده گرفتن وظایفی است که قبلاً ساخت‌های دیگر انجام می‌دادند. لذا دگرگونی‌هایی که در نتیجه‌ی پدیدآمدن مشاغل نو، دستگاه‌های پیچیده‌ی آموزش و پرورش نو، و انواع اجتماعات که در ساخت‌های اجتماعی پدید می‌آیند، مورد توجه جامعه‌شناسان بوده و تماماً نشانگر بُعد کاملاً اجتماعی توسعه است (کامران، ۱۳۸۷، ص ۶۰). اگر چه سازمان ملل متحد رسماً افزایش نرخ رشد سالانه ۹ درصد در تولید ناخالص ملی را به‌عنوان نشانه‌ی توسعه معرفی نمود، اما از همان اوایل دهه ۵۰ کارشناسان و صاحب‌نظران اجتماعی سازمان ملل از توجه به ابعاد اجتماعی توسعه غافل نماندند. مشکلی که کارشناسان سازمان ملل و سایر پژوهندگان در سنجش شرایط اجتماعی و شاخص‌های اجتماعی توسعه داشتند، تعدد و تنوع بین کشورهای مختلف و به ویژه کشورهای در حال توسعه بوده است. این کشورها از لحاظ جغرافیایی و پیشرفت اقتصادی و بسیاری از ویژگی‌های دیگر در سطوح متفاوتی قرار داشتند. به ویژه این‌که از یک نظام واحد ثبت آماری برخوردار نبودند و یافتن یک دسته شاخص اجتماعی مشترک بین آنان میسر نبود. با توجه به سابقه کم و کوشش و فعالیت اندک در حوزه شاخص‌های اجتماعی، مطالعات محققان به سوی توسعه‌ی انسانی گرایش یافت و در بسیاری از موارد توسعه‌ی انسانی معادل توسعه‌ی اجتماعی به‌کار گرفته‌شد، به گونه‌ای که دسته‌ای از شاخص‌های اجتماعی برای سنجش توسعه‌ی انسانی ارائه گردید. در این مطالعات شاخص‌های پیشنهادی را می‌توان در چهار دسته طبقه‌بندی کرد:

- دسته‌ی اول: شرایط زندگی (بهداشت، تغذیه، مسکن، دسترسی به آب و تسهیلات بهداشتی)،
- دسته‌ی دوم: جنبه‌های اطلاعاتی و فرهنگی (سوادآموزی، آموزش و پرورش، کتابخانه‌ها، روزنامه‌ها، موسیقی، تئاتر و هنرهای زیبا)،
- دسته‌ی سوم: برخی از مسایل اجتماعی (حقوق بشر، وضعیت زنان، مشارکت، برابری، امنیت فردی، کار کودکان، استعمال مواد مخدر، فساد و وضعیت محیط زیست)،
- دسته‌ی چهارم: شاخص‌های مربوط به ذهن و جان آدمی (خوشبختی، رضایت و آرامش) (مورالس گومز، ۱۹۹۹).

در گزارش سازمان ملل متحد (۱۹۵۴) با شناخت این موضوع که شاخص‌هایی که قرار است پیشرفت هر یک از این اجزا را مورد سنجش قرار دهد در اصل متعدّدند و در بیشتر کشورها داده‌های اطلاعاتی لازم برای بسیاری از آنها موجود نیست. شاخص‌های دارای اولویت پیشنهاد شده عبارتند از:

- ۱- امید به زندگی در هنگام تولد،
- ۲- نرخ مرگ و میر نوزادان،
- ۳- میانگین ملی تأمین مواد غذایی بر حسب کالری‌های مورد نیاز در مقایسه با مقدار برآورد شده کالری‌های مورد نیاز،
- ۴- درصد کودکان ۵ تا ۱۴ ساله که در مدارس نام‌نویسی کرده‌اند،
- ۵- درصد با سوادان بالاتر از یک سن خاص، کل این جمعیت و توزیع آن از لحاظ جنسیت،
- ۶- نسبت جمعیت فعال از لحاظ اقتصادی ولی بدون شکل (درصد بیکاری)،
- ۷- نسبت درصد توزیع جمعیت فعال از لحاظ اقتصادی بر اساس طبقه‌بندی‌های اصلی صنعتی و شغلی،
- ۸- مصرف فردی به‌صورت نسبی از درآمد ملی و شاخص تغییرات ناشی از آن (درام‌گای، ۱۳۷۱).

تمام کوشش‌های مؤسسه‌ی تحقیقاتی ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی برای توسعه‌ی اجتماعی بر این مبنا قرار داشت که ضوابطی برای گزینش و تعیین شاخص‌هایی که بتوان از آنها در کار تحلیلی بر مبنای داده‌های موجود استفاده کرد، تهیه نمایند. این مؤسسه و سایر مؤسسه‌ها در پی ساختن یک شاخص نسبی گرایانه^۱ بودند که نه سطح مطلق یک کشور در زمینه‌ای مثل آموزش و پرورش یا بهداشت و درمان، بلکه سطح آن را در هر یک از این زمینه‌ها، نسبت به سطح کلی توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی به‌دست می‌دهد.

روش‌شناسی

محدوده‌ی این پژوهش در برگیرنده‌ی شهرستان‌های استان تهران بود. در این مطالعه، شناسایی وضعیت موجود شهرستان‌های مذکور از لحاظ شاخص‌های اجتماعی مشتمل بر آمارهای ارایه شده از سوی مرکز آمار ایران هدف اصلی بود. بر اساس تحقیق توصیفی از نوع اسنادی، آمار و اطلاعات مربوط به این شاخص‌ها برپایه نتایج تفصیلی آخرین سرشماری کشور (۱۳۷۵) تهیه و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

- **جامعه‌ی آماری:** جامعه‌ی آماری این پژوهش شهرستان‌های استان تهران است. لذا شهرستان‌های اسلامشهر، تهران، دماوند، ری، ساوجبلاغ، شمیرانات، شهریار، کرج و ورامین انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند.

1- relativistic

- جمع‌آوری و نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این پژوهش به‌منظور دستیابی به اهداف تعیین شده و برآورد دقیق از وضعیت شاخص‌های اجتماعی توسعه در شهرستان‌های استان تهران، از روش تحلیل طبقه‌بندی که طبقه‌بندی گروه‌های همگن (تاکسونومی) نامیده می‌شود، استفاده شده است.

شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی در این پژوهش

در این پژوهش تعداد ۸ شاخص شامل درصد باسوادی زنان، درصد باسوادی مردان، میزان جمعیت شاغل، افراد ۶ تا ۲۴ سال که اشتغال به تحصیل دارند، درصد خانوارهایی که به آب آشامیدنی دسترسی دارند (برخورداری از آب لوله‌کشی)، امکانات بهداشتی (شامل ۲ شاخص تعداد خانه‌های بهداشت و سهم درمانی از استان)، و میزان اشتغال در بخش صنعت انتخاب شده است تا بر اساس آنها سطح توسعه‌ی اجتماعی برآورد شود.

از آنجا که در زمینه‌ی توسعه‌ی اجتماعی شاخص‌های متعددی وجود دارد. در این زمینه بررسی شاخص‌ها و عوامل کلیدی موردنظر بوده است. در راستای اهداف این مطالعه، آمار و اطلاعات مربوط به ۸ شاخص موردنظر بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ و آخرین اطلاعات مربوط به شاخص‌های موردنظر در فرمانداری‌های شهرستان‌ها جمع‌آوری و تحلیل شده است. در این مطالعه به‌منظور انتخاب و تعیین شاخص‌های اجتماعی بنابر ضرورت دو شرط مهم رعایت شده است: اول، امکان‌پذیری سنجش شاخص‌هاست، یعنی این که بتوانیم به روش علمی و یا مجموعه‌ای از روش‌ها برای گردآوری داده‌ها اقدام کنیم (در این مطالعه از اطلاعات مربوط به سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ استفاده شده است). دوم، این که شاخص‌ها را بر اساس اولویت در نظر بگیریم؛ اولویت‌هایی مانند میزان اهمیت، درجه اعتبار و سازگاری و ارتباط با موضوع مورد نظر.

روش طبقه‌بندی شهرستان‌ها

در این مطالعه تعداد ۸ شاخص مذکور به‌عنوان شاخص‌های اجتماعی توسعه ۹ شهرستان استان تهران انتخاب شده است. اطلاعات مربوط به شاخص‌ها در ستون و شهرستان در سطر گنجانده شده است و در مجموع یک ماتریس را تشکیل می‌دهند. چنانچه در تشخیص میزان توسعه‌یافتگی صرفاً به توصیف صرف داده یا برآورد تفاوت‌ها از طریق میانگین اکتفا نمی‌ایم مشکلاتی به‌وجود خواهد آمد. بنابراین، به‌منظور حذف مشکلات فوق از روش تحلیل طبقه‌بندی که روش طبقه‌بندی گروه‌های همگن نیز نامیده می‌شود (بیدآبادی، ۱۳۶۲) استفاده شد. بر

پایه‌ی این روش، به طبقه‌بندی و دسته‌بندی و به تعبیری به تعیین مقادیر عددی میزان توسعه‌ی اجتماعی شهرستان‌های مذکور اقدام گردید.

یافته‌ها

داده‌های مربوط به شاخص‌های اجتماعی منتخب ۹ شهرستان استان تهران به ترتیب اسلامشهر، تهران، دماوند، ری، ساوجبلاغ، شمیرانات، شهریار، کرج و ورامین جمع‌آوری و در جدول معینی گنجانده شد (جدول شماره‌ی ۳).

جدول شماره‌ی ۳: داده‌های مربوط به شاخص‌های اجتماعی شهرستان‌های استان تهران

سهم مراکز درمانی شهرستان از استان	تعداد خاندهای بهداشت	درصد خانوارهایی که به آب آشامیدنی سالم دسترسی دارند	درصد شاغلان در بخش صنعت	درصد جمعیت شاغل	درصد شاغلان به تحصیل ۶-۲۴ ساله	درصد سواد با مردان	درصد سواد با زنان	شاخص‌های اجتماعی
۴/۷۰	۱۸	۹۸/۳۰	۴۷/۶۷	۳۰/۱۶	۷۱/۳۳	۸۹/۸۲	۸۲/۱۷	اسلامشهر
۵۰/۳۰	۵	۹۸/۹۴	۳۰/۰۵	۳۲/۴۸	۷۴/۱۸	۹۳/۰۷	۸۷/۹۵	تهران
۱/۸۰	۲۷	۹۶/۷۷	۱۸/۲۳	۳۱/۹۷	۶۹/۶۵	۸۶/۵۲	۷۸/۸۳	دماوند
۵/۵۰	۲۴	۸۸/۳۳	۴۹/۶۰	۳۳/۵۵	۶۲/۱۹	۸۲/۲۶	۷۵/۳۰	ری
۴/۷۰	۶۰	۹۶/۱۸	۴۱/۷۳	۳۰/۵۵	۶۷/۸۱	۸۵/۲۰	۷۷/۳۶	ساوجبلاغ
۳/۷۰	۲۶	۹۴/۷۸	۲۸/۰۶	۳۹/۵۸	۵۹/۹۲	۸۵/۹۳	۸۰/۲۸	شمیرانات
۵/۸۰	۴۴	۹۴/۴۳	۴۳/۵۲	۳۴/۷۶	۶۶/۷۳	۸۶/۷۶	۷۸/۵۲	شهریار
۱۶/۰۰	۲۶	۹۷/۸۰	۳۸/۹۳	۳۰/۵۱	۷۳/۴۶	۹۰/۸۳	۸۴/۸۱	کرج
۳/۴۰	۲۶	۹۸/۰۴	۴۰/۱۴	۳۴/۰۱	۶۶/۰۹	۸۴/۵۷	۷۷/۷۹	ورامین

همان طور که اشاره شد، در این پژوهش به منظور دستیابی به اهداف تعیین شده و برآوردی دقیق از وضعیت شاخص‌های اجتماعی توسعه در شهرستان‌های استان تهران، از روش تحلیل طبقه‌بندی استفاده شد. پس از تدوین جدول داده‌های خام مربوط به شاخص‌های ۹ شهرستان مرحله اول تحلیل طبقه‌بندی، یعنی محاسبه نمره Z این شاخص‌ها اجرا شد (جدول شماره‌ی ۴).

جدول ۴: ضرایب Z مربوط به شاخص‌های اجتماعی شهرستان‌های استان تهران (۹ تهران)

شهرستان	سهم مراکز درمانی شهرستان از استان	تعداد خانه‌های بهداشت	درصد خانوارهایی که به آب آشامیدنی سالم دسترسی دارند	درصد شاغلان در بخش صنعت	درصد جمعیت شاغل	درصد شاغلان به تحصیل	درصد شاغلان مردان	درصد باسوادی زنان	شاخص‌ها
اسلامشهر	-۰/۳۸۶۸۳	-۰/۶۷۱۳۶	-۰/۷۲۱۴۵	۰/۹۹۴۴۱	-۰/۹۸۶۵۹	۰/۷۰۵۱۵	۰/۷۶۷۰۰	۰/۴۵۹۵۷	اسلامشهر
تهران	۲/۵۷۱۹۴	-۱/۵۰۶۹۸	۰/۹۱۸۱۱	-۰/۷۳۶۵۸	-۰/۱۹۲۲۲	۱/۲۹۶۰۴	۱/۲۲۴۹۳	۱/۹۰۶۷۰	تهران
دماوند	-۰/۵۷۴۵۱	-۰/۰۹۲۸۵	۰/۲۵۱۲۹	-۱/۸۹۷۷۹	-۰/۳۷۱۵۳	۰/۳۵۶۸۴	-۰/۲۰۵۶۷	-۰/۳۷۶۶۷	دماوند
ری	-۰/۳۳۴۴۷	-۰/۲۸۵۶۸	-۲/۳۴۲۲۲	۱/۱۸۴۰۱	۰/۱۶۵۳۸	-۱/۱۸۹۸۴	-۱/۴۶۱۲۰	-۱/۲۶۰۴۷	ری
ساوجبلاغ	-۰/۳۸۶۳۷	۲/۰۲۸۳۵	۰/۰۶۹۹۹	۰/۴۱۰۸۶	-۰/۸۵۴۰۷	-۰/۰۲۴۶۵	-۰/۵۹۴۷۴	-۰/۷۴۴۷۱	ساوجبلاغ
شمیرانات	-۰/۴۵۱۲۴	-۰/۱۵۷۱۳	-۰/۳۶۰۲۱	-۰/۹۳۲۰۸	۲/۳۱۴۴۵	۱/۶۶۰۴۸	-۰/۳۷۹۶۷	-۰/۰۱۳۶۳	شمیرانات
شهریار	-۰/۳۱۵۰۱	-۰/۹۹۹۸۹	-۰/۴۶۷۷۶	۰/۵۸۶۷۱	۰/۵۷۶۵۵	-۰/۲۴۸۵۶	-۰/۱۳۴۹۳	-۰/۴۵۴۲۸	شهریار
کرج	۰/۳۴۶۷۲	-۰/۱۵۷۱۳	۰/۵۶۷۸۰	۰/۱۳۵۷۹	-۰/۸۶۷۶۶	۱/۱۴۶۷۶	۱/۰۶۴۷۰	۱/۱۲۰۵۴	کرج
ورامین	-۰/۴۷۰۷۱	-۰/۱۵۷۱۳	۰/۶۴۱۵۵	۰/۲۵۴۶۶	۰/۳۲۱۶۹	-۰/۳۸۱۲۶	-۰/۷۸۴۳	-۰/۶۲۷۰۵	ورامین

در مرحله‌ی دوم از تحلیل طبقه‌بندی فاصله مرکب بین شهرستان‌ها محاسبه شد و در نهایت ماتریسی به دست آمد که بر اساس آن می‌توان فاصله هر شهرستان از شهرستان دیگر را از لحاظ شاخص‌های اجتماعی مشخص کرد (جدول شماره‌ی ۵).

جدول شماره‌ی ۵: ماتریس مربوط به فاصله مرکب بین شهرستان‌های استان تهران از لحاظ

شاخص‌های اجتماعی

	ورامین	کرج	شهریار	شمیرانات	ساوجبلاغ	ری	دماوند	تهران	اسلامشهر
اسلامشهر	۲/۷۱	۱/۵۱	۳/۰۷	۴/۷۵	۳/۴۵	۴/۷۴	۳/۳۳	۴/۰۶	۰/۰۰
تهران	۵/۲۹	۳/۰۳	۵/۵۱	۵/۹۴	۶/۱۵	۷/۱۲	۴/۸۵	۰/۰۰	۴/۰۶
دماوند	۲/۴۹	۳/۱۴	۳/۰۴	۳/۵۰	۳/۲۵	۴/۶۲	۰/۰۰	۴/۸۵	۳/۳۳
ری	۳/۳۶	۵/۳۵	۳/۰۰	۳/۹۴	۳/۹۰	۰/۰۰	۴/۶۲	۷/۱۲	۴/۷۴
ساوجبلاغ	۲/۵۹	۳/۶۴	۱/۹۵	۴/۴۱	۰/۰۰	۳/۹۰	۳/۲۵	۶/۱۵	۳/۴۵
شمیرانات	۲/۸۶	۴/۸۴	۲/۹۳	۰/۰۰	۴/۴۱	۳/۹۴	۳/۵۰	۵/۹۴	۴/۷۵
شهریار	۱/۸۱	۳/۳۲	۰/۰۰	۲/۹۳	۱/۹۵	۳/۰۰	۳/۰۴	۵/۵۱	۳/۰۷
کرج	۳/۳۱	۰/۰۰	۳/۳۲	۴/۸۴	۳/۶۴	۵/۳۵	۳/۱۴	۳/۰۳	۱/۵۱
ورامین	۰/۰۰	۳/۳۱	۱/۸۱	۲/۸۶	۲/۵۹	۳/۳۶	۲/۴۹	۵/۲۹	۲/۷۱

در مرحله‌ی سوم با استفاده از ماتریس D کوتاه‌ترین فاصله بین دو شهرستان به قرار زیر تعیین شده و با محاسبه میانگین و انحراف معیار فاصله اطمینان برای تعیین همگنی شهرستان‌ها به دست آمد.

میانگین آن $\bar{d} = 2/21$ و انحراف معیار $S_d = 0/6252$ است و بنابراین فاصله اطمینان نیز به صورت زیر محاسبه شد:

$$d_1 = \bar{d} - 2 Sd = 2/21 - 2 (0/6252)$$

$$d_2 = \bar{d} + 2 Sd = 2/21 + 2 (0/6252)$$

$$d_1 = 0/9596 \approx 0/96$$

$$d_2 = 3/4604 \approx 0/346$$

شهرستان‌هایی که بین این دو فاصله (0/96 و 3/46) قرار بگیرند همگن خواهند بود. با مراجعه به داده‌ها مشخص می‌شود که همه شهرستان‌های استان تهران در این فاصله قرار دارند و در نتیجه همگن تلقی می‌شوند. در ادامه تحلیل طبقه‌بندی با استفاده از تحلیل عاملی، ماتریس F به دست آمد (جدول شماره‌ی ۶).

جدول شماره‌ی ۶: ماتریس عامل‌های به دست آمده

	مؤلفه‌ها	
	۱	۲
نمره Z درصد باسوادی زنان	0/949	-0/181
نمره Z درصد باسوادی مردان	0/963	-0/010
نمره Z درصد شاغلان به تحصیل ۶-۲۴ ساله	0/884	0/424
نمره Z درصد جمعیت شاغل	-0/441	-0/830
نمره Z درصد جمعیت شاغل در بخش صنعت	-0/303	0/594
نمره Z خانوارهایی که به آب آشامیدنی سالم دسترسی دارند	0/765	0/110
نمره Z تعداد خانه‌های بهداشت	-0/569	0/496
نمره Z سهم مراکز درمانی شهرستان از استان	0/793	-0/229

روش استخراج: تحلیل مؤلفه‌های اصلی

* دو عامل استخراج شده است

در این مرحله پس از محاسبه ماتریس ضرایب عاملی، ماتریس استاندارد شاخص‌ها در آن ضرب شد. پس از ضرب ماتریس‌ها، بالاترین رقم هر ستون را در نظر گرفته و نام آنها مقدار "ایده‌آل" گذاشته شد و با Z_{oj} نشان داده می‌شود. پس از مشخص کردن مقدار ایده‌آل برای هر یک از شاخص‌ها طول بردار زیر محاسبه شد:

$$C_{io} = \sqrt{\sum_j 1(Z_{ij} - Z_{oj})^2}$$

محاسبه C_{io} هر شهرستان به قرار زیر است :

اسلامشهر	$C_{io} = ۶$
تهران	$C_{io} = ۳/۵۲$
دماوند	$C_{io} = ۸/۶۵$
ری	$C_{io} = ۱۴/۶۶$
ساوجبلاغ	$C_{io} = ۱۰/۹۷$
شمیرانات	$C_{io} = ۱۲/۷۳$
شهریار	$C_{io} = ۱۱/۰۵$
کرج	$C_{io} = ۴/۴۴$
ورامین	$C_{io} = ۱۰/۴$

طبق طول بردار C_{io} معلوم می‌شود که اگر شهرستانی پیشرفته باشد، C_{io} آن کوچک (یعنی فاصله‌ی آن از مقدار ایده‌آل کمتر است) و هر قدر C_{io} بزرگتر باشد محروم‌تر خواهد بود. در این‌جا نیز تهران با کم‌ترین میزان (۳/۵۲) و ری با بیش‌ترین میزان (۱۴/۶۶) توسعه‌یافته‌ترین و محروم‌ترین شهرستان‌ها قلمداد می‌شوند.

به‌منظور بررسی دقیق‌تر درجه‌ی توسعه‌یافتگی، با داشتن C_{io} و \bar{C}_{io} و S_{cio} را می‌توان محاسبه کرد و حد بالای آن، یعنی عدم توسعه‌یافتگی با C_0 نشان داده می‌شود:

$$C_0 = \bar{C}_{io} + 2S_{cio} \Rightarrow ۹/۱۶ + ۲(۳/۶) = ۱۶/۳۸$$

اگر درجه توسعه‌یافتگی یک شهرستان را با F_i نشان دهیم، در این‌صورت درجه‌ی توسعه‌نیافتگی آن خواهد بود:

$$F_i = \frac{C_{io}}{C_0}$$

همچنین با کسر کردن F_i از عدد یک درجه‌ی توسعه‌یافتگی به‌دست می‌آید:

$$۱ - F_i = \text{ضریب توسعه‌یافتگی}$$

ترتیب ضریب توسعه‌یافتگی اجتماعی شهرستان‌های استان تهران به قرار زیر به‌دست آمد (جدول شماره‌ی ۷).

جدول شماره ۷: ضرایب توسعه یافتگی اجتماعی شهرستان‌های استان تهران

ردیف	شهرستان	ضریب توسعه یافتگی اجتماعی
۱	تهران	۰/۷۹
۲	کرج	۰/۷۳
۳	اسلامشهر	۰/۶۳
۴	دماوند	۰/۴۷
۵	ورامین	۰/۳۶
۶	شهریار	۰/۳۳
۷	ساوجبلاغ	۰/۳۳
۸	شمیرانات	۰/۲۲
۹	ری	۰/۱۱

با طبقه‌بندی شهرستان از لحاظ ضریب توسعه یافتگی اجتماعی، ۴ دسته‌ی زیر به دست آمد:

(۱) ۰/۲۸ - ۰/۱۱ (محروم) (شمیرانات، ری)

(۲) ۰/۴۶ - ۰/۲۹ (محرومیت نسبی) (ورامین، ساوجبلاغ، شهریار)

(۳) ۰/۶۴ - ۰/۴۷ (نسبتاً توسعه یافته) (اسلامشهر، دماوند)

(۴) ۰/۸۲ - ۰/۶۵ (توسعه یافته) (تهران، کرج)

با توجه به طبقه‌بندی فوق، شهرستان تهران و کرج از لحاظ شاخص‌های اجتماعی توسعه یافته‌ترین (به ترتیب با ضرایب ۰/۷۹ و ۰/۷۳) شهرستان‌های استان تهران به شمار می‌روند و به دنبال آنها شهرستان‌های دماوند و اسلامشهر (به ترتیب با ضرایب ۰/۶۳ و ۰/۴۳) در حد نسبتاً توسعه یافته هستند. با توجه به ضرایب توسعه یافتگی مربوط به ورامین (۰/۳۶)، شهریار و ساوجبلاغ به طور یکسان (۰/۳۳)، این شهرستان‌ها دچار محرومیت نسبی هستند. سرانجام، شهرستان‌های شمیرانات و ری با ضرایب ۰/۲۲ و ۰/۱۱ محروم‌ترین شهرستان‌های استان تهران به شمار می‌روند.

بحث و نتیجه‌گیری

توسعه پدیده‌ای پیچیده و چند بعدی است و تنها زمانی می‌توان آن را درک کرد که به‌طور همزمان جنبه‌های مختلف آن را مد نظر قرار داد. توسعه از این جهت مفهومی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، نگرش مردم و نهادهای ملی، کاهش نابرابری و کاستن از فقر است. اصولاً، توسعه باید مشخص کند که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با

نیازهای متنوع اساسی و تقاضای اعضای جامعه و گروه‌های اجتماعی، از وضعیت نامطلوب زندگی قبلی خارج شده و به سوی وضعیتی بهتر از نظر مادی و معنوی سوق می‌یابد. در دنیای امروز صرفاً بر جنبه‌ی اقتصادی توسعه توجه نمی‌شود، بلکه اهداف سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین، توسعه زمانی تحقق خواهد یافت که کلیه وجوه و جوانب آن همراه با یکدیگر و رو به جلو در حال تحول باشند. جنبه «اجتماعی» نیز یکی از ابعاد توسعه است و برای سنجش آن نیز شاخص‌های متعددی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است. شاخص‌های اجتماعی جنبه‌هایی از حیات اجتماعی ما را در بر می‌گیرند. اگر چه، سازمان ملل متحد به‌طور رسمی افزایش نرخ سالانه ۹ درصد در تولید ناخالص ملی را به‌عنوان نشانه‌ی توسعه معرفی کرده است، اما از همان اوایل دهه ۱۹۵۰ کارشناسان و صاحب‌نظران اجتماعی سازمان ملل از توجه به ابعاد اجتماعی توسعه غافل نماندند. تعدد و تنوع کشورهای عضو سازمان ملل و به ویژه کشورهای در حال توسعه مهم‌ترین مشکل اقتصاددانان جامعه‌شناسان در سنجش شرایط اجتماعی و شاخص‌های اجتماعی توسعه هستند. فقدان آمار و اطلاعات دقیق، فقدان شاخص‌های اجتماعی مشترک، تفاوت‌های جغرافیایی و پیشرفت اقتصادی از جمله مشکلات دیگر در راه مطالعه شاخص‌های اجتماعی توسعه هستند. با این‌حال، محققان و صاحب‌نظران تقسیم‌بندی‌های مختلفی از شاخص‌های اجتماعی ارائه کرده‌اند و مطالعات بسیاری در این زمینه صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که در عین جهان شمول بودن نسبی موضوعات اجتماعی، شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی لزوماً جهانی نیستند و تحت تأثیر عوامل مختلف قرار دارند.

در جهان امروز دو اصطلاح توسعه و برنامه‌ریزی ارتباط بسیار نزدیکی با یکدیگر دارند، زیرا دست‌یافتن به توسعه مستلزم برنامه است. بر همین اساس، روشن است که درک و شناخت درست از نیازها و کاستی‌ها لازمه‌ی برنامه‌ریزی درست و منطقی است. مسئولان و سیاست‌گذاران در راستای برنامه‌ریزی و دستیابی به برنامه‌های تدوین شده برای توسعه، کاهش نابرابری‌های بین مناطق مختلف جامعه را فراروی خود قرار می‌دهند. شواهد نشان می‌دهد که وجود انواع دوگانگی نامطلوب منطقه‌ای در خیلی از کشورها به ویژه جهان سوم به دلایل متعدد در مسیر توسعه‌یافتگی آنها مانع ایجاد می‌کند. بر همین اساس، توسعه‌ی منطقه‌ای به‌عنوان یک ضرورت به‌منظور برقراری عدالت اجتماعی مورد توجه اغلب دولتمردان بوده است و امروزه در حوزه توسعه نیز تکیه بر برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌تواند یکی از راهبردهای اساسی باشد. به عبارت دیگر، با دستیابی به اطلاعات در خصوص مناطق مختلف و مقایسه آنها با یکدیگر می‌توان کاستی‌ها و نقاط قوت را روشن ساخت و در نهایت برنامه‌ریزی منطقی صورت داد.

این مطالعه نیز با هدف بررسی وضعیت شهرستان‌های استان تهران از نظر شاخص‌های اجتماعی توسعه صورت گرفت. بر اساس نتایج به‌دست آمده از ۸ شاخص مورد نظر و مقایسه‌ی ۹ شهرستان استان تهران می‌توان قضاوت کرد که بالاترین میزان توسعه‌یافتگی از لحاظ اجتماعی متعلق به شهرستان تهران و پایین‌ترین میزان توسعه‌یافتگی نیز متعلق به شهرستان ری است. شهرستان کرج رتبه دوم را داراست و شهرستان‌های اسلامشهر و دماوند در رتبه‌های سوم و چهارم جای دارند. شهرستان‌های ورامین، شهریار، ساوجبلاغ، شمیرانات و ری با فاصله‌ی نسبتاً زیاد نیز رتبه‌های پنجم تا نهم را به خود اختصاص داده‌اند.

با توجه به نتایج به‌دست آمده می‌توان اظهار داشت که به رغم تفاوت‌هایی در ضرایب توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان تهران، این شهرستان‌ها از لحاظ شاخص‌های اجتماعی همگن هستند و هیچ کدام از آنها به لحاظ توسعه‌یافتگی از محرومیت جدی رنج نمی‌برد. با این حال، بر پایه ضرایب توسعه‌یافتگی، شهرستان‌هایی نظیر شمیرانات و ری از وضعیت چندان مطلوبی برخوردار نیستند. در نتیجه، در برنامه‌ریزی‌ها و تقسیم امکانات مرتبط با شاخص‌های اجتماعی می‌بایست به این شهرستان‌ها توجه ویژه‌ای شود.

راهکارها و راهبردها

بر اساس یافته‌های این مطالعه پیشنهادهای زیر مطرح می‌شوند:

- با مطالعه‌ی وضعیت مناطق یا مطالعه‌های منطقه‌ای به تدوین برنامه‌های توسعه اقدام شود.
- مقایسه‌ی شاخص‌ها به خوبی می‌تواند کاستی‌ها و نقاط قوت شهرستان‌های استان را مشخص کند و در نتیجه، برنامه‌ریزی‌های توسعه باید منطبق با آنها باشد.
- اکثر قریب به اتفاق شهرستان‌ها با شهرستان تهران و حتی کرج فاصله‌ی زیادی دارند، بنابراین توجه ویژه به سایر شهرستان‌ها می‌تواند از نابرابری‌های منطقه‌ای بکاهد. در واقع، این نابرابری‌ها در وضعیت شاخص‌های اجتماعی توسعه در شهرستان‌های استان باید به عنوان یک هشدار برای مسئولان تلقی شود، و برای کاهش فاصله نابرابری‌ها به اقدامات لازم دست بزنند.

منابع فارسی

ازکیا، م. (۱۳۶۵). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستاهای ایران. تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات.

- اکبری، غ. (۱۳۸۰). وضعیت فعلی جامعه ایران با نظریه شاخص‌های توسعه اجتماعی. مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی.
- بیدآبادی، ب. (۱۳۶۲). آنالیز تاکسونومی (روش طبقه‌بندی گروه‌های همگن). سازمان برنامه و بودجه استان مرکزی.
- تقوایی م؛ کیارستمی، ق. (۱۳۸۱). تعیین و تحلیل سطوح برخورداری مناطق روستایی در شهرستان‌ها و بخش‌های استان تهران. مجله جهاد. سال ۲۲، شماره ۲۵۴، آذر و دی.
- تودارو، م. (۱۳۷۸). توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه‌ی: غلامعلی فرجادی. چاپ پنجم، تهران، جلد اول.
- درام گای و همکاران. (۱۳۷۱). بررسی شاخص‌های انسانی و اجتماعی توسعه. گاهنامه روستا و توسعه. مقالات برگزیده. مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی. جهادسازندگی، شماره چهارم.
- نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۷۵). شهرستان‌های استان تهران، سازمان برنامه و بودجه مرکز آمار ایران
- شهادی، هرمز. (۱۳۶۷). کاربرد شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی در برنامه‌ریزی توسعه. تهران: وزارت برنامه و بودجه.
- کامران، ف. (۱۳۸۷). توسعه و برنامه‌ریزی روستایی. (چاپ دوم). انتشارات آوای نور.
- محمدزاده، ق. ا. (۱۳۷۴). گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ برنامه توسعه سازمان ملل متحد. انتشارات سازمان برنامه و بودجه تهران.

منابع انگلیسی

- Harris, Jonathan M.; Wise, T.; Gallagher, K. (2001). Survey of sustainable development social and economic dimensions. Island Press.
- Morales-gomes, D. (1999). Transnational social policies. The new development challenges of globalization. IDRC/CRDI.
- Parker, r. (2005). Putting social development to work for the poor: An OED review of World Bank activities. World Bank.